

نگارش: موبد فیروز آذرگشسب

دانشمند اوستاشناس

ترجمه آیاتی از گاتها

در بین ادبیات و فرهنگ مزدیسنا تنها کتابی که از هر گونه دخل و تصرف و زواید و تجریف و تقلیب مصون مانده و کهن ترین قسمت اوستا را تشکیل میدهد گاتها است که بمعنی سرودهای آسمانی میباشد و از سخنان خود زرتشت است گاتها بشعر سروده شده و دارای هفده فصل میباشد که در ۷۲ فصل یسنا گنجانده شده . این کتاب آسمانی مجموعه ایست از درس زندگی و اخلاق ، طرز مبارزه با قوای اهریمنی و تقویت صفات ایزدی ، بردباری و تحمل در مقابل شداید و سختی ها ، توکل و ایمان بخدا ، عشق و محبت بهم نوع و فداکاری در راه حق و حقیقت ، کار و کوشش و پیشرفت بسوی ترقی و تکامل و خلاصه طرز رسیدن به نجات و رستگاری و ملحق شدن به پروردگار یعنی مبداء کلی که از آنجا جدا شده ایم .

متأسفانه این کتاب با این گنجینه دانش و حکمت و فضیلت و روحانیت آنطور که باید و شاید ترجمه نشده و مفهوم اصلی کلمات که زبان الهام بخش ایرانیان باستان بوده است بصورت مادی و تقریباً بچه گانه بیان شده و از آن روحانیتی که میبایستی از خواندن چنین کتاب آسمانی به انسان دست دهد و اثر نیکوئی در او بجای گذارد خبری نیست - علت اینکه مستشرقین خارجی نتوانسته اند تا بحال گاتها را درست ترجمه کرده و واژه هائی که به رمز و اشاره در آنجا ذکر شده بخوبی بیان کنند این است که تعصبات مذهبی و اغراض ملی به آنها اجازه نمیدهد در سخنان پر مغز پیمبر ایران غور و بررسی کرده و با همان نظر و ایمانی که گفتار حضرت مسیح و موسی را توجیه و تفسیر مینمایند به ترجمه و تفسیر سخنان آسمانی زرتشت نیز به پردازند مثلاً مستشرقین یهودی مانند پروفیسور هارل و دارمستتر سعی کرده اند

زمان زرتشت را هرچقدر میشود پائین بیاورند تا بتوانند تعلیمات حکیمانه و فلسفه عملی پیمبر آریائی را متأثر از مذهب یهود بدانند و یا اینکه استاد اوستا شناس و دانشمند فقید مرحوم پروفیسور بارتولومه مسیحی صریحاً و علناً در کلاس درس به شاگردان خود میگوید « ما نمی توانیم زرتشت را در مقام مقایسه با حضرت عیسی و موسی قرار دهیم بلکه باید او را در ردیف فلاسفه بزرگ مانند افلاطون و ارسطو بشمار آریم » ملاحظه بفرمائید وقتی یکنفر استاد متبحر در زبان اوستا نسبت بزرتشت چنین عقیده ای داشته باشد چگونه ترجمه او می می تواند الهام بخش باشد و خواننده را تحت تأثیر روحانیت و معنویت خاصی قرار دهد؟ البته این موضوع را من باب مثال عرض کردم. هرچه باشد ما زرتشتیان مخصوصاً خود را مدیون زحمات و خدمات مستشرقین و پژوهندگان ادبیات مزدیسنا میدانیم و هیچوقت کوشش های خستگی ناپذیر مستشرق فرانسوی یعنی انکتیل دوپرون را که برای اولین بار در سال ۱۷۵۷ با دشواریهای بسیار موفق شد زبان و کتب اوستا را از روی حدس و قرینه و مقایسه با زبان سانسکریت بخواند و راه را برای محققین و پژوهندگان بعدی این زبان بگشاید فراموش نخواهیم کرد. همین طور از سایر مستشرقین و اوستاشناسان که با صبر و شکیبائی بی نظیر سالها وقت خود را مصروف ترجمه و تفسیر ادبیات مزدیسنا نموده و از روی اصول فقه اللغة و زبان شناسی و تطبیق واژه ها با سانسکریت موفق شده اند تقریباً اکثر واژه ها و عبارات و قسمتهای دشوار اوستا را تشریح نمایند صمیمانه تشکر مینمائیم و امیدواریم اهورا مزدا توفیق بیشتری نصیب پژوهندگان این رشته نماید با تمام این احوال نگارنده ناگزیر است این حقیقت را بعرض خوانندگان محترم برساند که يك نویسنده تاریخ و یا مستشرق خارجی هرچقدر هم عاری از حب و بغض باشد و با کمال بی نظری و بیطرفی و جوانمردی بخواهد راجع بتاریخ و مذهب ملت دیگر اظهار

نظر کرده و یا ترجمه و تفسیری بنویسد نخواهد توانست صد در صد اغراض شخصی را در نوشته های خود دخالت نهد و عادلانه و بیطرفانه قضاوت نماید متأسفانه در مورد ترجمه اوستا و مخصوصاً گاتها اکثر مستشرقین به استثنای یکی دو نفر سعی کرده اند واژه های فلسفی و رمزی این کتاب مقدس را که دارای معانی عالی و مفهوم عمیق معنوی است جنبه مادی داده و واژه هایی از قبیل «فشونیت» و «واستریا» و «گائو» و «خوارمنو» و ... را ستور و چراگاه و گاو و علوفه و ... ترجمه کنند. بقول آقای دکتر بُد موبد دانشمند پارسی «درست است که ایرانیان باستان مردمانی زراعت پیشه و کشاورز بودند ولی اشتباه محض است اگر بگوئیم تعلیمات اشو زرتشت اصولاً مبتنی بر گله داری و گاوچرانی و کشاورزی بوده». و بخوایم تنها بصورت ظاهر واژه های فوق اکتفا کرده و به مفهوم واقعی آنها که عبارت از «شبان» و «نگهبان» و «جهان» و «فروخوره ایزدی» است توجهی نداشته باشیم. البته از حق نمی توان گذشت بعضی از مستشرقین امثال پروفیسور لارنس میلز و دکتر هاوگ کوشش کرده اند که جنبه های روحانیت گاتها را تا حدی آشکار سازند ولی آنها هم آنطور که باید و شاید در کار خود موفقیت حاصل نکرده اند.

تنها ترجمه گاتهایی که تعلیمات عالیّه زرتشت را بنحو احسن بیان کرده و فی الواقع فلسفه نهفته واژه ها را بخوبی آشکار ساخته است و حقیقتاً خواننده از آن الهام میگیرد ترجمه دانشمند فقید و استاد ارجمند دکتر ایرج تاراپور والا است. مرحوم تاراپور والا یک نفر زرتشتی متدین و با ایمان و یک شخصیت عالیقدر علمی بود که چند سال قبل از طرف دولت ایران برای تدریس اوستا و سانسکریت در دانشگاه تهران به ایران دعوت شد ولی متأسفانه بعلت بیماری پس از دو ماه توقف در دانشگاه تهران مجدداً رهسپار هندوستان گردید و در آنجا بر حمت ایزدی پیوست نامبرده سانسکریت را دزخردسالی فرا گرفته و در این زبان تبصر کامل داشت زبان اوستا را نیز نزد استاد دانشمند خویش مرحوم پروفیسور بارتولومه یاد گرفت و با

کمک سانسکریت توانست بزودی بقواعد و اصول این زبان آشنائی حاصل کند و پس از بیست و پنج سال مطالعه متوالی و موشکافی و توجه دقیق در کلمات دشوار گاتها و تطبیق آنها با واژه های مشابه سانسکریت بالاخره در سال ۱۹۵۱ میلادی موفق گردید نتیجه یک عمر زحمت خود را بصورت کتابی قطور و جامع بنام «سرودهای مقدس زرتشت» چاپ و منتشر سازد.

در مقدمه‌های که مؤلف دانشمند بر کتاب خود نوشته علت طبع و نشر کتاب را بشرح زیر بیان کرده است:

« با وجودی که متجاوز از پنجاه نفر گاتهای زرتشت را ترجمه کرده‌اند و شاید هم احتیاجی به ترجمه من نباشد معینا چون هیچکدام از آنها نمی توانست مرا راضی کند و عمق معنویات و مفهوم واقعی کلمات را آشکار سازد، بر آن شدم که جداً بمطالعه گاتها دست‌زنم و خدای را سپاس گذارم که پس از سالها رنج بالاخره موفق شدم گفتار حکیمانانه و سخنان پرمعنی زرتشت آموزگار بشریت را بنحو الهام بخشی منتشر سازم. « من ادعا نمی کنم که ترجمه‌ام از هر لحاظ بهتر از سایرین است و همه باید آنچه را که من گفته‌ام قبول کنند و سند بدانند ولی اینقدر میتوانم با اطمینان خاطر اظهار نمایم که هیچوقت سعی نکرده‌ام واژه‌ها و عبارات گاتها را تحریف نموده و یا پس و پیش کرده و بیپچانم تا موافق میل و نظریه خود در آورم بلکه در مورد ابراز عقیده نسبت بموضوع و یا کلمه‌ای نظریات مستشرقین دیگر را نیز محترم شمرده و ذکر کرده‌ام در موقع ترجمه هیچگاه از اصول زبان‌شناسی و قواعد صرف و نحو غفلت نکرده‌ام و همه گونه افکار و اغراض را کنار گذاشته‌ام منتهی پس از ترجمه تحت‌اللفظی آیات سعی کرده‌ام مفهوم جملات را بطور آزاد و آن چنانکه باذوق سلیم و روحانیت وفق دهد تعبیر و تفسیر نمایم »

مؤلف دانشمند سپس چنین اضافه میکند: « نکاتی که موقع ترجمه کتاب

همیشه مورد نظر و توجه من بوده است بشرح زیر می‌باشد:

(۱) مفاد گاتها را باید از نظر خود گاتها قضاوت کرد نه از دریچه مفهوم کلمات و تعبیر و تفسیر آنها در زمانهای بعد.

(۲) وید کتاب مذهبی هندوها از لحاظ زبان و مفهوم جملات و کلمات خیلی بگاتها نزدیک و شبیه است و بنابراین تطبیق دوزبان باهم نهایت لزوم را دارد.

(۳) مفهوم افکار و فلسفه های گاتها بسیار عمیق و صوفیانه است و هیچ کس نمی تواند صریحاً اظهار کند که بکنه مطالب و مفهوم واقعی گاتها پی برده است زیرا با وجودیکه پرده ابهام و نامعلوم با مطالعه دقیق یکی پس از دیگری بر طرف می گردد باز هم پرده ابهام تازه تری باقی خواهد ماند (من سعی کرده ام تا از ورای ظاهر کلمات بمفهوم واقعی آنها پی ببرم)

(۴) گاتها کتابی است پراز مفهوم عالی روحانی و بنابراین باید با روحانیت خاصی آنرا ترجمه کرد ضمناً باید بیشتر بمعمق مفهوم کلمات توجه داشت نه بصورت ظاهر آنها مثلاً واژه « گائو » که از لحاظ صوری و ظاهری بمعنی گاو است ولی در حقیقت معنی زمین و جهان را دارد و نباید به « گاو » ترجمه کرد و برای توجیه آن دلیل آورد که ایرانیان باستان به کشاورزی علاقمند بودند و چون شغل کشاورزی مستلزم استفاده از این حیوان است بهمین علت در گاتها از گاو نام برده و آن را ستوده است.

با توجه بمراتب فوق خوانندگان محترم قبول خواهند کرد که ترجمه گاتهای مرحوم دکتر تاراپوروالا چه مزیت هائی نسبت بترجمه سایر مستشرقین دارد و به همین علت نگارنده سعی خواهد کرد در اولین وهله تعدادی از آیات گاتها را که ترجمه آنها نارسا و نا مفهوم است و یا جنبه مادی آنها بر مفهوم معنوی میچربد و ایده غلطی از پیمبر بزرگ آریائی در اذهان بجای میگذارد ترجمه و تفسیر کرده و اگر فرصتی دست داد بعداً به ترجمه کامل گاتهای تاراپوروالا به پردازد البته ضمن ترجمه سعی خواهد شد عقیده و نظریه برخی از مستشرقین نیز در موارد لزوم برای درک کامل مطلب ذکر گردد.